

بررسی فضای نزول سوره عادیات (با تأکید بر مکی یا مدنی بودن

سوره)

قاسم فائز*

دانشیار دانشگاه تهران

عماد صادقی**

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

ابوذر خیراندیش***

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۵)

چکیده

یکی از سوره‌های اختلافی از نظر مکی و مدنی بودن، سوره عادیات است که اگر مکان نزول سوره تعیین گردد، در تفسیر و شناخت بهتر آن نقش بسزایی دارد. برخی از مفسران به دلیل سوگندهای ابتدایی در باب اسبان جنگی، آن را مربوط به جهاد دانسته‌اند که در مدینه واجب شده است. همچنین روایاتی که نزول سوره را بعد از غزوة ذات‌الاسلاسل بیان کرده، آن را مدنی دانسته‌اند. اما با دقت در اسلوب سوره که به سبک سوره مکی نازل شده است و روایات صحیح در باب مکی بودن سوره، مشخص می‌شود که این سوره مکی است و آیات ابتدایی سوره که درباره جنگ است و ربطی به جهاد ندارد که در مدینه نازل شده باشد. همچنین دلیل دیگر بر مکی بودن سوره، بحث محتوایی آن است که در آن سخن از معاد و قیامت به میان آمده که خود از ویژگی‌های سوره مکی است و در نقلی مؤثق از امام علی^(ع) آمده که عادیات وصفی برای شتران در حج است. حال اگر «عادیات» به معنای «اسب» باشد، باز به معنای «اسب جنگی» است که با اسب جهادی متفاوت است؛ زیرا اسب جنگی در فرهنگ جاهلیت در میان اهل مکه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: سوره عادیات، مکی و مدنی، اسب جنگی، اسب جهادی، شأن نزول.

* E-mail: Gh.faez@ut.ac.ir

** E-mail: emadsadeghi7360@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

*** E-mail: aboozar.kheirandish@gmail.com

مقدمه

اهمیت مکی یا مدنی بودن سُور از نظر شناخت ناسخ و منسوخ، کشف مفاهیم و مدلول صحیح آیات، زمان تشریح احکام، شناخت شأن نزول آیات بسیار روشن است. برای تشخیص زمان نزول یک سوره، می‌توان مواردی را در نظر داشت؛ از جمله نقل و روایت، محتوای سُور، اشاره آیه به مکان یا افراد خاص و مشخصه‌ها و اسلوبی که خاص سُور مکی یا مدنی است. اما گاه برداشت‌هایی که از آیات می‌شود، مفسران را به اشتباه انداخته است و آن برداشت غلط را به عنوان اماره و نشانه‌ای بر مکی یا مدنی بودن یک سوره گرفته‌اند. سوره عادیات از جمله این سُور است که به دلیل اشاره به اسبان جنگی، برخی مفسران آن را دلیلی بر مدنی بودن سوره دانسته‌اند، بدین دلیل که سخن از جنگ و جهاد در دوران مدینه مطرح بوده است.

۱- پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- ادله مدنی بودن سوره عادیات و نقد آن چگونه است؟

۲- ادله مکی بودن سوره عادیات چیست؟

این پژوهش در صدد آن است که با بررسی روایات ترتیب نزول، سبب نزول و ضوابط و خصائص سوره‌ها، مکی یا مدنی بودن این سوره را مشخص کند تا از این طریق، از برداشت‌های مفهومی اشتباه از سوره پیشگیری شود.

۲- گزارش اختلافی بودن سوره

در باب سوره عادیات، عده‌ای نزول این سوره را در مکه و عده‌ای دیگر نزول آن را در مدینه دانسته‌اند. اما افرادی را می‌توان نام برد که این سوره را در شمار سوره اختلافی ذکر کرده‌اند که از آن جمله است: سیوطی (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۶۹) و آیت‌الله معرفت

(ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۶۰). با بررسی‌های صورت گرفته، علت بروز اختلاف را باید در روایات ترتیب نزول و سبب نزول سوره جستجو نمود.

۳- روایات ترتیب نزول

روایات ترتیب نزول این سوره در دو دسته مکی و مدنی به ترتیب تاریخی گزارش می‌شود:

۳-۱) روایات مکی بودن

روایت علی بن ابی طالب^(ع) از طریق سعید بن مسیب (ر.ک؛ جفری، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۵)، روایت علی بن ابی طالب^(ع) از طریق مقاتل (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۲۸-۱۳۳)، روایت عبدالله بن عباس از طریق عطاء (ر.ک؛ ضریس، ۱۴۰۸ق: ۲۱)، روایت ابن عباس از طریق ابن جریج از عطاء (ر.ک؛ همان: ۱۷)، روایت عطاء خراسانی (ر.ک؛ ماوردی، بی تا، ج ۶: ۴۳۸)، روایت ابی شیبه از عطاء (ر.ک؛ همان، ج ۴: ۴۳۸)، روایت مجاهد (ر.ک؛ ابن ندیم، بی تا: ۲۸)، روایت عکرمه و حسن بصری (ر.ک؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۱۴۲)، قتاده (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۶۰)، محمد بن نعمان (ر.ک؛ زهری، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۳۸)، روایت علی بن ابی طلحه (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۶۰)، روایت ابن واقد (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۲۸-۱۳۱)، زهری (ر.ک؛ زهری، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۳۸).

بیشتر روایات ترتیب نزول این سوره را در مکه و بین دو سوره عصر و کوثر، یعنی چهاردهمین سوره به ترتیب نزول بیان کرده‌اند (ر.ک؛ همان).

۳-۱-۱) بررسی روایات مکی بودن سوره

با بررسی این قبیل روایات که خود در شناخت مکی یا مدنی بودن سوره‌ها نقش بسزایی دارند، مکی بودن سوره به دست می‌آید و تنها چند روایت در بیان مدنی بودن سوره آمده که با نقدی جدی مواجه است.

۲-۳) راویان مدنی بودن سوره و نقد آنها

روایت ابن عباس از طریق ابوصالح (ر.ک؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۳)، روایت مقاتل (ر.ک؛ شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۳۱ تا ۱۳۳) و ضحاک (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۹۵).

۱-۲-۳) نقد روایات مدنی بودن سوره

۱- روایت ابوصالح از ابن عباس که مدنی بودن سوره را بیان می کند (ر.ک؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۴۳)، با روایت عطاء از ابن عباس که مکی بودن سوره را روایت می کند (ر.ک؛ ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۱۷ و ابن ندیم، بی تا: ۲۸)، مغایرت دارد. همچنین روایت ابن جریج از عطاء و او از ابن عباس که نام سوره های مدنی و ترتیب نزول آنها را بیان می کند، ولی ذکری از سوره عادیات به میان نمی آورد (ر.ک؛ همان: ۲۸) که خود دلیلی بر مکی بودن سوره است. همان گونه که گذشت، در مکی و مدنی بودن سوره اختلاف وجود دارد (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۶۹ و معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۶۰)، ولی بیشتر روایات ترتیب نزول، به ویژه روایات مشهور ترتیب نزول و بیشتر مفسران و قرآن پژوهان بر مکی بودن سوره هم سخن شده اند. از این رو، مکی بودن سوره از شهرت و قوت بیشتری برخوردار می باشد و تنها روایت ترتیب نزولی که بر مدنی بودن سوره ایستاده است، روایت ابوصالح است که طریق آن در بین طرقی که به ابن عباس می رسد، ضعیف ترین طریق است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۷۱). در ضمن سیوطی در تفسیر خود از ابن مردویه از ابن عباس روایتی نقل می کند که سوره را مکی می داند (ر.ک؛ همان، ۱۴۰۴، ج ۸: ۵۹۹).

۲- روایت مقاتل: شهرستانی می گوید: احتمال می رود او روایت خود را از ابوصالح و از ابن عباس نقل کرده باشد؛ زیرا محتوای هر دو روایت نیز یکی است. سیوطی می گوید: «قول مشهور در روایات ترتیب نزول این است که این سوره چهاردهمین سوره نازل شده در مکه است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۵۹) و این همان ترتیب عطاء از ابن عباس است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۳) که با روایت جابر بن زید تکمیل شده است و قرآن پژوهانی چون دروزه و معرفت بر این نظر ایستاده اند (ر.ک؛ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۵ و معرفت، ۱۴۱۵ق، ج

۱: (۱۳۵). ابن عاشور روایت جابر بن زید را در مکی بودن سوره تأیید می‌کند (ر.ک؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۴۳۸).

۳- روایت ضحاک از آن رو که با اکثر روایاتی که نزول سوره را در مکه بیان کرده‌اند، در تعارض است. پس نمی‌توان به او وقعی نهاد، بلکه باید سخن او را در این باب اجتهادی بیش ندانیم.

۳- روایات و اقوال مفسران

نظرات مفسران بر اساس ترتیب تاریخی گزارش می‌شود:

۳-۱) مکی بودن سوره در نظر مفسران

مفسرانی که نظر به مکی بودن سوره دارند، از این قرار است:

ابن مسعود (ر.ک؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۳۲۳)، جابر (ر.ک؛ همان)؛ عکرمه و حسن بصری (ر.ک؛ همان)، عطاء (ر.ک؛ همان)، روایت مقاتل بن سلیمان (ر.ک؛ بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۷۹۹)، ماتریدی (ر.ک؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰: ۶۰۰)، سمرقندی (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۶۰۸)، ثعلبی (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ۲۶۸)، واحدی (ر.ک؛ واحدی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۵۴۴)، سمعانی (ر.ک؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ۲۷۰)، بغوی (ر.ک؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۲۹۵)، زمخشری (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۷۸۶)، ابن عطیه (ر.ک؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۵۱۳)، ابن جوزی و قرطبی با سند از ابن مسعود، عطاء، عکرمه و جابر، مکی بودن سوره را بیان می‌کند (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ب، ج ۴: ۴۸۰ و قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۱۵۳)، فخر رازی (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲: ۲۵۸)، ابن جزی (ر.ک؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۵۰۵)، خازن از قول ابن مسعود، مکی بودن سوره را بیان می‌دارد (ر.ک؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۶۰)، ابوحفص حنبلی دمشقی (با سند) (ر.ک؛ حنبلی دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰: ۴۵۴)، ثعلبی نظر اجماع را بر مکی بودن سوره می‌داند و مدنی بودن سوره را با لفظ «قیل» بیان می‌کند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۶۱۸)، سیوطی نقل می‌کند که ابن مردویه از ابن عباس سوره را مکی می‌داند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ۵۹۹)، مظهري (بدون سند) (ر.ک؛

مظهري، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۰: ۳۲۶)، به تصريح طوسی، سوره در قول ابن عباس، مکی است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۹۵)، ابوالفتوح رازی سخنی مانند طوسی بیان می کند (ر.ک؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق.، ج ۲۰: ۳۷۱)، شوکانی با سند از ابن مسعود، جابر، حسن، عکرمه و عطاء، مکی بودن سوره را بیان می کند و در آخر، سخن ابن مردویه از ابن عباس در مکی بودن سوره را گزارش می کند (ر.ک؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق.، ج ۵: ۵۸۷).

۲-۳) بررسی گفتار مفسران

چنان که ملاحظه می شود، بیشتر مفسران از شیعه و اهل سنت با سند و تعداد کمتری بدون سند به مکی بودن سوره حکم کرده اند (ر.ک؛ همان) و همان گونه که از کبار صحابه و بزرگان تابعین ذکر شد، سوره را مکی دانسته اند. مفسرانی که سوره را مدنی تلقی کرده اند، با لفظ «قیل» که نشان از ضعیف بودن قول مدنی بودن سوره است و بیشتر به دلیل سبب نزول، سوره را مدنی دانسته اند که در باب آن بحث می شود.

۳-۳) نقد و بررسی گفتار مفسران در مدنی بودن سوره

مفسرانی از جمله ابن عباس (ر.ک؛ ماوردی، بی تا، ج ۶: ۳۲۳)، ضحاک (ر.ک؛ همان)، قتاده (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق.، ج ۴: ۴۸۰)، مقاتل (ر.ک؛ همان)، قرطبی (با سند) (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۰: ۱۵۳)، نیشابوری (ر.ک؛ نیشابوری، ۱۴۱۵ق.، ج ۶: ۵۴۹)، طبرسی (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۰۱)، طباطبائی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۳۴۴) سوره عادیات را مدنی می دانند.

۴-۳) نقد و بررسی روایات

در باب روایت ابن عباس باید گفت در بررسی روایات ترتیب نزول بیان شد که از ابن مردویه از ابن عباس و نیز از عطاء و او از ابن عباس، مکی بودن سوره رسیده است و روایات سبب نزول وارده از ابن عباس که در ادامه خواهد آمد و ضوابط و خصائص سوره های مکی و مدنی، قول به مکی بودن سوره را تقویت می کند. دربارهٔ روایت ضحاک نیز باید گفت کسانی که هم عصر او بودند، از تابعانی همچون مجاهد، عکرمه، حسن و عطاء، مکی بودن سوره

گزارش شده است که با روایت ضحاک در تعارض است. در این باره هم باید گفت روایات سبب نزول سوره و ضوابط و خصائص مکی و مدنی قول به مکی بودن سوره را ترجیح می‌دهند.

درباره روایت قتاده که سوره را مدنی دانسته، باید گفت در روایت ترتیب خود با نیاوردن سوره در ذیل سور مدنی، حکم به مکی بودن سوره عادیات داده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۶۰) و مستند قتاده در مدنی بودن سوره، روایت ضعیفی است که قابل اعتنا نیست (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۳۸۳). در باب روایت مقاتل بیان شد که به احتمال زیاد با روایت ابوصالح یکی باشد؛ زیرا متن هر دو روایت یکی است. به گفته سیوطی در *الإتقان*، طریق ابوصالح از ابن عباس ضعیف‌ترین طریق است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۷۱). مفسرانی از قبیل قرطبی با سند قتاده و مقاتل، مدنی بودن سوره را بیان کرده‌اند (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۱۵۳)، در حالی که سیوطی از قتاده و مقاتل، مدنی بودن سوره را روایت می‌کند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۶۰). نیشابوری بدون سند به مدنی بودن سوره حکم کرده است که نمی‌توان به سخن او اعتنایی کرد؛ زیرا اجتهادی بیش نیست. علامه طباطبایی^(۵) سوره عادیات را بر اساس روایات و سیاق، در شمار سور مدنی قلمداد می‌نماید (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۴۴). در نقد دیدگاه علامه طباطبائی می‌توان گفت عایشه بنت الشاطی در تفسیر خود، فضای نزول سوره عادیات را چنین ترسیم می‌کند و بر مکی بودن سوره بر اساس محتوا تأکید دارد. سوره با ترسیم صحنه سریعی از غارت بی‌رحمانه و ناگهانی شروع می‌شود. قومی که صبحگاهان مورد هجوم ناگهانی قرار می‌گیرد و مردم از آن باخبر نمی‌شوند، مگر در حالی که مهاجمان در وسط جمع آنان قرار گرفته‌اند و آنها را در میان غباری به هوا برخاسته، به این طرف و آن طرف پراکنده می‌کنند. این تصویر سخت و شدید بعد از «واو» قَسَم آمده است تا نظرها را به غارت‌های ناگهانی صبحگاهان که مردم در گذشته با آن آشنا بودند و نیز حوادثی که با این غارت‌ها به وجود می‌آمد، همچون پراکندگی، تحیر و سردرگمی جلب کند. منظور عایشه بنت الشاطی از این سخن آن است که در این سوره بحثی از جهاد نیست، بلکه از جنگی صحبت به میان آمده که ناگهان شروع می‌شود. هدف از این بیان قرآن، هشدار به مردم است که نسبت به معاد و برپایی قیامت غافل نباشند. همان گونه

که جنگ یکباره و ناگهانی شروع می‌شود، قیامت نیز ناگهان برپا می‌شود که در آیات پایانی این سوره بیان شده است (ر.ک؛ بنت الشاطی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۳). محتوای سوره بر اساس اینکه سوره‌های مکی معمولاً پیرامون مبدأ و معاد سخن گفته‌اند و سوره عادیات از معاد و قیامت سخن به میان آورده است، خود دلیل دیگری بر مکی بودن این سوره است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۱۹). بر اساس روایات نیز سبب نزول این سوره و ضوابط و خصائصی که برای سوره‌های مکی مطرح کرده‌اند (و در ادامه بیان می‌گردد)، قول به مکی بودن این سوره ارجح است. در ضمن، روایاتی که نزول این سوره را بعد از غزوة ذات‌السلاسل دانسته‌اند، در ادامه خواهد آمد و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۴- روایات سبب نزول

در باب این سوره، چندین سبب نزول گزارش شده که بیان می‌گردد و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱) روایات سبب نزول مدنی بودن سوره و نقد و بررسی آنها

درباره آیات اولیة این سوره سه سبب نزول بیان شده است:

۱- **روایت اول:** «قال مقاتل: بعث رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - (سَرِيَّةً إِلَى حَيٍّ مِنْ كِنَانَةَ)، وَ اسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمُ (الْمُنْدَرِ بْنَ عَمْرِو الْأَنْصَارِيِّ). فَتَأَخَّرَ خَبْرَهُمْ، فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ: قُتِلُوا جَمِيعاً. فَأَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا، فَأَنْزَلَ [اللَّهُ تَعَالَى]: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً﴾: مقاتل گوید: پیغمبر^(ص) سَرِيَّة‌ای به سرکردگی مندر بن عمرو انصاری به سوی طایفه‌ای از کنانه گسیل داشته بود. و دیری نگذشت که از آنها خبری نشد و منافقان گفتند: همگی کشته شده‌اند. خداوند با فرستادن آیات ۱-۵ این سوره، پیامبر^(ص) را از حال آنها باخبر ساخت» (واحدی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۹).

۲- **روایت دوم:** «أخبرنا عبد الغافر بن محمد الفارسی، أخبرنا أحمد بن محمد البستي، حدثنا محمد بن مكي، حدثنا إسحاق بن إبراهيم، حدثنا أحمد بن عبدة، حدثنا حفص بن

جَمِيع، حَدَّثَنَا سِمَاكٌ، عَنْ عِكْرَمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَعَثَ خَيْلًا، فَأَسْهَبَتْ شَهْرًا لَمْ يَأْتِهِ مِنْهَا خَبْرٌ. فَنَزَلَتْ: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ: رَسُولُ خَدَا^(ص) سَرِيهَای را گسیل داشته بود. ماهی گذشت و از اعزام شدگان به سریه خبری نشد تا اینکه خداوند آیات ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ را تا آخر سوره نازل فرمود^(ع) (همان: ۴۸۹).

۳- روایت سوم: «قيل نزلت السورة لما بعث النبي^(ص) عليًا^(ع) إلى ذات السلاسل فأوقع بهم و ذلك بعد أن بعث عليهم مراراً غيره من الصحابة فرجع كل منهم إلى رسول الله^(ص) و هو المروى عن أبي عبد الله^(ع) في حديث طويل قال و سمت هذه الغزوة ذات السلاسل لأنه أسر منهم و قتل و سبى و شد أسراهم في الحبال مكتفين كأنهم في السلاسل و لما نزلت السورة خرج رسول الله^(ص) إلى الناس فصلى بهم الغداة و قرأ فيها و العاديات فلما فرغ من صلاته قال أصحابه هذه سورة لم نعرفها فقال رسول الله^(ص) نعم إن علياً ظفر بأعداء الله و بشرني بذلك جبرئيل^(ع) في هذه الليلة فقدم علي^(ع) بعد أيام بالغنائم و الأسارى: اين سوره هنگامی نازل شد كه پیامبر^(ص)، علی بن ابی طالب^(ع) را به سوی قبیله ذات سلاسل فرستاد، بعد از آنكه چندین بار دیگران را فرستاده بود و همه با شكست مواجه شدند، تا آنكه پیامبر^(ص)، علی بن ابی طالب^(ع) را به سوی آنها فرستاد و از ابی عبدالله^(ع) همین روایت در حدیث طولانی بیان شده است. این غزوه را ذات سلاسل نام نهادند، بدین دلیل كه عده‌ای كشته شدند و عده‌ای نیز اسیر گشتند و اسیران ایشان را با ریسمان بسته بودند؛ مانند اینکه آنها در زنجیر بودند و هنگامی این سوره نازل شد، پیامبر^(ص) با مردم نماز صبح به جماعت به جا آوردند و پیامبر^(ص) سوره عادیات را در نماز تلاوت فرمودند. هنگامی كه نماز به پایان رسید، مردم گفتند: ما این سوره را نمی‌شناسیم. پیامبر^(ص) فرمود: علی^(ع) بر دشمنان پیروز شدند. جبرئیل^(ع) امشب پیروزی علی^(ع) را به من بشارت داد. چند روزی گذشت و دیدند علی^(ع) با اسیرانی كه گرفته بودند و غنائم جنگی برگشتند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۰۳).

۲-۴) نقد روایات سبب نزول

این سه روایت همگی به سرّیه‌هایی اشاره دارند که در مدینه اتفاق افتاده است. از این رو، چندی از تفاسیر همچون مجمع‌البیان، نمونه، التحریر و التنویر و ... بر پایهٔ همین روایات بر مدنی بودن آن حکم کرده‌اند، حال آنکه اسلوب هشدار و تهدیدی، نظم بسیار آهنگین و محتوای سوره بر مکی بودن آن دلالت دارد. گذشته از این، روایات مذکور به دلیل سندی مخدوش می‌باشند و برخی از مفسران با وجود نقل آنها در کتب تفسیری ایشان به سند غیرقابل اعتماد آنها اذعان کرده‌اند؛ مثلاً ابن‌کثیر سند این روایت را بسیار غریب و ناآشنا می‌شمرد (ر.ک؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۴۴۶). روایت سوم نیز هم از جهت سند و هم از جهت متن به صورت مرسل از امام صادق^(ع) نقل شده است؛ زیرا طریق طبرسی تا امام صادق^(ع) مشخص نیست و عبارت «فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ» در متن حدیث نشان از افتادگی بخشی از حدیث می‌باشد. این روایت در کتب حدیث نیز به همین صورت گزارش شده است (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۲۱: ۶۶ و نمازی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۹۶).

بنابراین، به این روایات نمی‌توان به عنوان روایت سبب نزول سوره اعتماد کرد؛ زیرا در سند آن، افرادی ضعیف و غیرموثق وجود دارند یا روایت آنها به صورت مرسل بیان شده است.

۳-۴) اسباب نزول دالّ بر مکی بودن سوره و بررسی آنها

در برابر سبب نزول مدنی بودن سوره، سبب نزولی از ابن‌عبّاس و سعید بن جبیر رسیده که سوره را مکی نشان می‌دهد و به این صورت گزارش می‌شود: «حدّثنی یونس بن عبدالأعلی الصدق، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: أخبرنا أبو صخر عمر بن حنظلة، عن أبي معاوية الجلی، عن سعید بن جبیر، عن ابن‌عبّاس، حدّثه قال: بینما أنا فی الحجر جالس، أتانی رجل یسأل عن العادیاتِ ضَبْحاً فقلت له: الخیل حین تغیر فی سبیل الله... فانفتل عَنّی، فذهب إلی علی بن أبی طالب رضی الله عنه و هو تحت سقایة زمزم، فسأله عن ﴿الْعَادِيَاتِ ضَبْحاً﴾ فقال: سألت عنها أحداً قبلی؟ قال: نعم، سألت عنها ابن‌عبّاس، فقال: الخیل حین تغیر فی سبیل الله، قال: اذهب فادعه لی فلما وقفت علی رأسه، قال: تفتی الناس بما لا علم لك به، والله لكانت أول

غزوة فی الإسلام لبدر، و ما كان معنا إلا فرسان: فرس للزبير، و فرس للمقداد، فكيف تكون العادیات ضبحا. إنما العادیات ضبحاً من عرفة إلى مزدلفة إلى منى. قال ابن عباس: فنزعت عن قولي، و رجعت إلى الذي قال علي رضي الله عنه: ابن عباس نقل می کند من در کنار سنگ (حجر الأسود) نشسته بودم که مردی به طرف من آمد و درباره ﴿العادیات ضبحاً﴾ از من سوال می کرد. من به او گفتم: یعنی اسبها و جهادگران مسلمان هنگامی که در راه خدا می تازند... پس او از پیش من به سوی علی بن ابی طالب (رض) رفت، در حالی که ایشان (علی^(ع)) کنار چشمه زمزم نشسته بودند. درباره ﴿العادیات ضبحاً﴾ از وی سوال کرد. ایشان فرمودند: آیا قبل از من از کسی درباره این موضوع سؤال کرده ای؟! گفت: بله، از ابن عباس سؤال کرده ام و ابن عباس گفت: اسبها و جهادگران مسلمان که در راه خدا می تازند (علی^(ع)). گفت: برو به ابن عباس بگو نزد من بیاید. هنگامی که من (ابن عباس) پیش علی^(ع) رفتم، (علی^(ع)) گفت: آیا مردم را به چیزی که بدان علم نداری فتوا می دهی؟ به خدا قسم! اولین غزوه ای که در اسلام واقع شد، جنگ بدر بود، در حالی که نزد ما تنها دو اسب بود: اسبی برای زبیر و اسبی برای مقداد. پس چه می شود معنی ﴿العادیات ضبحاً﴾؟ (علی^(ع)) گفتند: مراد از آن شترهای نفس زنان است که از عرفة به سمت مزدلفه و آنگاه منا می روند. ابن عباس گفت: من از نظر خود دست کشیدم و به گفته علی (رض) برگشتم و با ایشان هم نظر شدم» (طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰: ۳۴۷).

۴-۳-۱) بررسی روایت سبب نزول

سند این روایت به خاطر وجود سعید بن جبیر از بهترین طرق روایی ابن عباس شمرده می شود (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۴۷۱). همچنین روایت این روایت، از روایت موثق و قابل اعتماد علمای رجال و حدیث شناسان می باشد، به گونه ای که در شرح حال یونس بن عبدالاعلی الصدف آمده است که او را ثقه دانسته اند و در حفظ و ثبت احادیث و نیز از نظر عقل، وی را توثیق کرده اند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۲ ق، ج ۴: ۴۸۱) و در شرح حال ابن وهب چنین گزارش شده که ایشان محدث، فقیه، عابد، حافظ، ثقه و مجتهد بوده اند (ر.ک؛ زرکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۴: ۱۴۴) و در شرح حال سعید بن جبیر آمده است که مورد ستایش و ثنای امام

علی^(ع) قرار گرفته است و دانشوران رجالی او را راست و درست دانسته‌اند (ر.ک؛ حلی، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

ابومعاویه عمّار بن خَبّاب دهنی بجلی: محدّث نامی (متوفی ۱۳۳) است که دلیل قطعی بر تشییع او در دست نیست، لیکن قطعاً از دوستان اهل بیت^(ع) بوده است. احمد بن حنبل و برخی از رجال نویسان او را توثیق کرده‌اند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۶: ۱۳۸ و ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۷: ۴۰۶) و ابوصخر عمر بن حنظله نیز از اصحاب امام صادق^(ع) می‌باشد و از ثقات محدّثین شیعه شمرده شده است (ر.ک؛ شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۴۷).

بنابراین به روایت می‌توان به عنوان سبب نزول سوره عادیات اعتماد کرد و از این رو، این سوره را مکی دانست. در تأیید این روایت به عنوان سبب نزول سوره، دو روایت دیگر رسیده است که عبارتند از:

۱- **روایت اول:** «حدّثنی محمد بن عمرو، قال: ثنا أبو عاصم، قال: ثنا عیسی و حدّثنی الحرث، قال: ثنا الحسن، قال: ثنا ورقاء، جمیعاً عن ابن اَبی نجیح عن مجاهد، فی قول الله: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ قال: قال ابن مسعود: هو فی الحجّ» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۱۷۷).

۲- **روایت دوم:** «أبی بن کعب عن النّبی^(ص) قال من قرأها أعطی من الأجر عشر حسنات بعدد من بایت بالمزدلفه و شهد جمعاً» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۰۱).

۴-۳-۲) بررسی روایات

روایت نخست از ابن مسعود گزارش شده است و سوره عادیات را درباره حجّاج مسلمان خانه خدا شمرده است و روایت دوم که از روایات فضایل سُور است بر ارتباط سوره با مناسک حج اشاره دارد؛ زیرا ثواب قاری سوره عادیات را به اندازه ثواب کسی می‌داند که شب در مزدلفه بماند و در همان جا شهید شود. از آنجا که فضائل سُور با محتوای آنها مرتبط می‌باشد، می‌توان از این روایت نتیجه گرفت که سوره عادیات درباره مزدلفه و مناسک حج می‌باشد. همچنین تأویل‌هایی درباره آیه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ رسیده است و مراد از انسان را

ولید بن مغیره یا قرط بن عبدالله بن عمرو بن نوفل القرشی دانسته شده است (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۴۸۱) که از سران مشرکان مکه بودند. البتّه واژه «عادیات» از نظر لغوی تنها به حیوان شتر اختصاص ندارد، بلکه می‌تواند وصفی برای حیوانات دیگر، به‌ویژه اسب قرار بگیرد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۸: ۴۰۱). از این رو، منعی وجود ندارد که سوره عادیات مکی باشد و عادیات وصفی برای اسبان باشد و به حیوان اسب اشاره داشته باشد، ولی این معنا مستلزم اشاره آیات به پدیده جهاد و در نتیجه، مدنی بودن سوره نمی‌باشد، بلکه اشاره آیات به اسب جنگی می‌باشد که با اسب جهادی متفاوت است و اسب جنگی از جایگاه مهمی در فرهنگ و زندگی جاهلیت برخوردار بوده است.

بنابراین، از جمع آرای نامبرده برمی‌آید که سوره عادیات در مکه نازل شده است و بعد از سوره عصر، چهاردهمین سوره نازل شده می‌باشد.

۵- سوره عادیات در ضوابط و خصائص سوره‌های مکی

ضوابط و خصائص سوره‌ها که به صورت قیاسی بیان شده، کمک شایانی در شناخت آیات و سوره‌های مکی از مدنی و بالعکس می‌کند. در این بخش، به ذکر این ضوابط و خصائص در سوره عادیات پرداخته می‌شود.

۵-۱) سوره عادیات در ضوابط سوره‌های مکی

این سوره بر اساس ضوابط سور مکی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱- هر سوره‌ای که در دسته‌ای از سور مفصل قرار گیرد، سوره عادیات قطعاً در این ضابطه داخل می‌شود (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۷۰؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۷-۱۹۸ و حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۴-۱۶۵).

۵-۲) سوره عادیات در خصائص سوره‌های مکی

خصائص سوره در دو بخش اسلوبی و موضوعی گزارش می‌شود:

۵-۲-۱) خصائص اسلوبی

۱) کوتاهی آیات و سوره‌ها (ر.ک؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۳؛ صالح، ۱۳۷۲: ۱۸۳ و حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۸) که سوره عادیات بدون شک این خصوصیت اسلوبی را داراست. ۲) کثرت اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنی، همانند سوگند بسیار، تشبیه، ضرب‌المثل (ر.ک؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۸). در این سوره که قسم به کار رفته، خود قرینه‌ای در مکی بودن سوره است. آیات ۵-۱ به عنوان نمونه: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ (العادیات / ۱)، به کار رفتن اسلوب تأکید در آیات ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ * و ﴿إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ * و ﴿إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (العادیات / ۸۶) و آیه ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ (العادیات / ۱) است.

دسته نخست از آیات (۸-۱) بر اسلوب قَسَم و جواب قَسَم آمده‌اند که پنج آیه نخست بخش قَسَم را تشکیل می‌دهند و آیات شش تا هشت، جواب قَسَم پنج آیه نخست می‌باشند. ارتباط لفظی میان آیات این دسته به آسانی قابل اثبات است، به گونه‌ای که پنج آیه نخست سوره با حرف «فاء» به یکدیگر عطف شده‌اند. آیه ششم، جواب قَسَم پنج آیه نخست می‌باشد و آیات هفت و هشت به آیه ششم عطف می‌شوند. آهنگ مشابه این دسته از آیات، تأییدی بر پیوند این دسته از آیات با یکدیگر می‌باشد، به گونه‌ای که پنج آیه نخست با آهنگ «أ» پایان یافته است و آیات هفت و هشت با آهنگ مشابه «ید» به آیه ششم عطف می‌شوند. این دسته از آیات ناسپاسی و ناشکری انسان‌ها را یادآور می‌شود و با سوگندهای پنجگانه به شدت پلیدی و زشتی این صفت را یادآور می‌شود و آن را برخاسته از مال دوستی و پول پرستی انسان می‌داند: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾.

دسته دوم (۹-۱۱) آیاتی هستند که در قالب جملات شرط و جواب شرط، انسان ناسپاس را هشدار و تهدید می‌کند به اینکه در روز رستاخیز انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند و نتایج و دستاوردهای زندگی دنیای آنها آشکار و هویدا می‌گردد و خداوند به سرنوشت آنها در آن روز آگاه است: ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ * وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾. بنابراین، محتوای این دسته به محتوای دسته نخست پیوند می‌خورد و هشدار و تهدیدی است بر زشتی و ناسپاسی انسان که در دسته نخست بدان اشاره شد.

آیات این دسته با حرف عاطفه «واو» به یکدیگر عطف می‌شوند و آیه یازدهم با ضمیر «هم» به آیات پیشین پیوند می‌خورد، به گونه‌ای که این ضمیر به واژه «صدر» در آیه ده (۱۰) و یا «قبور» در آیه نه (۹) برمی‌گردد. در این دسته، آیه نخست جمله شرط می‌باشد و آیه دوم به آیه نخست عطف شده است و آیه سوم جواب شرط می‌باشد. بنابراین، آیات این دسته در سیاق شرط پیاده شده است و عناصر شرط، اعم از ادات شرط، جمله شرط و جواب شرط، به مانند یک بسته به هم پیوسته می‌باشند.

دو دسته این محور با حرف عاطفه فاء در آیه ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾ به هم پیوند می‌خورند. بنابراین، با توجه به تک‌محوری بودن این سوره و ارتباط تنگاتنگ لفظی، اسلوبی و محتوایی آیات با یکدیگر می‌توان وحدت نزول این سوره را پذیرفت که به یکباره بر پیامبر^(ص) نازل شده است.

(۳) کثرت فواصل (ر.ک؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۸) که خود این خصیصه منجر به کوتاهی سوره می‌شود و بی‌شک در سوره عادیات این خصیصه نمود دارد.

(۴) تعبیر، وزن و سجع نیرومند (ر.ک؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۸) که به طور دقیق و واضح این خصیصه در سوره عادیات در پایان آیات وجود دارد: (صبحاً، قدحاً، صبحاً، نقعاً و جمعا - شهید، شدید و خبیر - کنود، قبور و صدور).

۵-۲) سوره عادیات در چارچوب خصائص موضوعی سوره مکی

الف) تثبیت اصول اعتقادی

قرآن مکی بیشتر سه معنا را گزارش می‌کند: یکی اثبات توحید خداوند و نفی شرک و بت‌پرستی، دوم تثبیت نبوت نبی اکرم^(ص) و جهانی بودن رسالت ایشان و سوم اثبات امر قیامت و جهان آخرت. پس از این سه، ترغیب و ترهیب، امثال و قصص، ذکر بهشت و دوزخ و نیز توصیف روز قیامت می‌آید (ر.ک؛ شاطبی، بی‌تا، ج ۳: ۴۱۶؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۲ و حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۹). در آیات ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ﴾

يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿العاديات/ ۶ و ۱۱﴾، سخن از توحید است که انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است و در آیه ۱۱ می‌فرماید: «خداوند نسبت به احوال آنها آگاه است». سخن از معاد و برزخ در آیه ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾ (العاديات/ ۹).

ب) دعوت به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی

در این سوره‌ها اخلاق ناپسند همچون کفر، گناه، سرکشی، سخت‌دلی و ... زشت و ناپسند مطرح می‌شود و اخلاق پسندیده همچون ایمان، اطاعت، علم و محبت، رحمت، اخلاص و ... طرح می‌گردد (ر.ک؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۳). در آیه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ (العاديات/ ۶) سخن از اخلاق ناپسند است، اما در آیه ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ (العاديات/ ۱۱)، خداوند انسان را ترغیب می‌کند تا گواهی دهد که خداوند همه چیز را می‌داند.

ج) سخن از عادات و رسوم زشت و ناپسند

در سوره‌های مکی، آداب و عادات زشت، همانند قتل، زنده به گور کردن دختران، آبروریزی و خوردن مال یتیم سخن به میان است تا بدین وسیله آن عادات را دور سازد (ر.ک؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۳). در سورهٔ عادیات، آیه ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ (العاديات/ ۶) سخن از آداب زشت انسانی نسبت به پروردگارش است.

۶- ترسیم فضای نزول سورهٔ عادیات

وحدت نزول سورهٔ یک اصل پذیرفته شده می‌باشد و تا زمانی که دلیلی مخالف این اصل پیدا نشود، وحدت نزول سوره مفروض می‌باشد. این اصل در سورهٔ کوچک و تک‌محوری همواره برقرار می‌باشد؛ زیرا در سورهٔ تک‌محوری آیات، هم از نظر لفظی و اسلوبی به هم پیوند خورده‌اند و هم از نظر محتوایی و موضوعی به هم وابسته می‌باشند. بنابراین، چنان‌چه این پیوند و ارتباط برای سورهٔ عادیات که از سورهٔ کوچک قرآن می‌باشد، ثابت شود، اصل مفروض وحدت نزول دربارهٔ آن بدون هیچ مخالفتی برقرار می‌باشد.

سوره عادیات با هدف و غرض هشدار به انسان به دلیل ناسپاسی در برابر پروردگارش به وسیله یادآوری آگاهی خداوند به حال او در روز رستاخیز می‌باشد. از این سوره برمی‌آید که انسان با غفلت از علم و آگاهی خداوند نسبت به او، به ناسپاسی و کفران نعمت دچار می‌شود و آنچه او را از گرفتاری ناسپاسی رهایی می‌دهد، توجه به آگاهی خداوند نسبت به حال او در روز رستاخیز می‌باشد. این سوره برای رسیدن بدین هدف در دو دسته از آیات طراحی شده است که عبارتند از:

الف) دسته اول: آیات ۸-۱

در این دسته، نخست به شترانی که در راه عبادت خدا، عرفه تا مزدلفه و منا را پشت سر می‌گذارند، سوگند یاد می‌شود و در جواب سوگند، به ناسپاسی انسان در برابر پروردگارش اشاره می‌کند که انسان خود بر ناسپاسی خویش آگاه است و این ناسپاسی از آن روست که به مال و منال دنیا دل بسته است. ذکر پنج جمله قَسَم در بخش آغازین سوره نشان از اهمیت و عظمت جواب قَسَم می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که این آیات ناظر به فضای اعتقادی و عملی جامعه نزول سوره نازل شده است که با انکار ربوبیت خداوند، عبادات خود را به پای بُت‌های دست‌ساز خویش می‌ریختند و آنها را پروردگار جهانیان می‌دانستند: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾.

تأکید بر پروردگاری خداوند از این روست که مردم بُت‌پرست مکه آفریدگاری خداوند را باور داشتند، ولی پروردگاریش را نمی‌پذیرفتند و بر این باور بودند که خداوند پس از آفرینش جهان، کار تدبیر و اداره آن را به آفریده‌هایی چون فرشتگان، بُت‌ها، جنیان و ... واگذار کرده است. تأکید این سوره بر موضوع ربوبیت تا بدانجاست که تنها با این صفت از خداوند یاد می‌کند. آیات پایانی این دسته، آگاهی انسان به ناسپاسی در برابر پروردگار را یادآور می‌شود: ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ و این ناسپاسی را برخاسته از مال دوستی و دنیاپرستی انسان می‌داند: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾. این آیات به درستی بر برجسته‌ترین ویژگی مشرکان مکه دست می‌گذارد و آن را به عنوان ریشه ناسپاسی آنها در برابر پروردگار برمی‌شمرد. از این

رو، اعراب را نمونه کامل انسان طمع‌کار و حریص شمرده‌اند که علاقه وافری به مادیات داشتند، به گونه‌ای که آنان به هر چه می‌نگریستند، از نظر منافع آن بود (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۵۱).

ب) دسته دوم: آیات (۱۱-۹)

در این دسته از آیات، هشدارهایی بر انسان ناسپاس وارد می‌شود و می‌پرسد که آیا از آگاهی خداوند نسبت به انسان در روز رستاخیز خبر ندارد! گویی آنچه انسان را به ناسپاسی در برابر پروردگارش کشانده است، غفلت انسان از آگاهی خداوند نسبت به او در روز رستاخیز می‌باشد.

این سوره بعد از سوره عصر نازل شده است. سوره عصر نیز همچون بسیاری از سوره مکی با سوگند آغاز می‌شود تا انسان را نسبت به خسران و زیان احتمالی هشدار دهد و راه جلوگیری از این زیان را به انسان یادآور می‌شود که تنها راه جلوگیری از زیان، ایمان و عمل صالح و سفارش به حق و صبر می‌باشد. سوره بعدی نیز با همین اسلوب قسَم آغاز می‌شود و باز با زبان هشدار و تهدید، انسان را نسبت به کفران و ناسپاسی وی یادآور می‌شود. گویی سوره مکی بیش و پیش از هر گونه تبشیر و بشارتی، با زبان هشدار و تهدید با مشرکان مکه روبه‌رو شده است و این از آن روست که مشرکان نخست باید از عقاید و باورهای باطل و پوچ خود دست بردارند تا بتوانند آیین اسلام را پذیرا باشند. بنابراین، می‌توان محتوای سوره را چنین جمع‌بندی کرد که سوره با ذکر سوگندهای پنجگانه، ناسپاسی انسان را نسبت به پروردگار یادآور می‌شود. با اینکه همه این شور و نشاط و دارایی وی داده خداوند به انسان می‌باشد. در ادامه سوره، تلویحاً با زبان هشدار و تهدید، انسان ناسپاس را به روز رستاخیز تهدید می‌کند که خداوند به حال انسان در آن روز آگاه است.

باری، پذیرش ربوبیت خداوند با منافع مادی آنها در تضاد بوده است و آنها را از رسیدن به منافع خود باز می‌داشته است. از این رو، حاضر نبودند تن به پروردگاری خداوند دهند.

این سوره آیات تاریخ‌دار و زمان‌دار ندارد و به واقعه و حادثه خاصی اشاره نکرده است. با گسترش روحیهٔ دنیادوستی و مال‌پرستی در جامعهٔ مکه، سورهٔ عادیات نازل شد و با سوگندهای پنجگانه، زشتی و پستی این روحیه را بدانها یادآور می‌شود و آنها را به عذاب روز رستاخیز هشدار می‌دهد. این سوره نازل شد تا مشرکان را از عقیدهٔ پست دنیادوستی بازدارد تا از این راه، ظرفیت و زمینهٔ پذیرش پروردگاری خداوند را در آنها ایجاد کند. از آیات قرآن برمی‌آید که گویی حُبّ خیر اصطلاح خاصی است که به معنای دنیادوستی به کار برده می‌شود. در آیهٔ ﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص / ۳۲). اصطلاح حُبّ خیر به همین معنای دنیادوستی و دنیاشیفتگی به کار رفته است. شگفت اینکه در این آیه نیز خیر به اسباب اصیل ﴿الصَّافِيَاتِ الْجِيَادِ﴾ در آیهٔ پیشین برمی‌گردد، همان‌گونه در سورهٔ عادیات نیز آیات آغازین سوره به اسبابی اشاره دارد که سراسر شور و نشاط هستند و نظر هر انسانی را شیفتهٔ خود می‌سازد. اشاره به اسب در این سوره، شاید برخاسته از جایگاهی است که این اسب در فرهنگ و زندگی جاهلیت و مشرکان مکه داشته است. آری، این بدترین و فسادبارترین اعتقاد مشرکان بود که به جای خداوند، بت‌ها را می‌پرستیدند و این اعتقاد ریشه در زشت‌ترین و آسیب‌بارترین خصلت آنها به نام دنیادوستی و مال‌اندوزی داشت.

برخی از آیات، ویژگی‌های مشرکان مکه را به تصویر می‌کشد که نسبت به پروردگار خویش ناسپاس هستند و دل در گرو مال و منال دنیا گذاشته‌اند. این آیات، فضای اعتقادی و اجتماعی مکه را در دورهٔ نزول سوره تصویر می‌کند که نسبت به پروردگار هستی ناسپاسی می‌کنند و موجودات دیگری را به جای پروردگار می‌پرستند. این سوره ریشهٔ این کج‌اعتقادی را در دنیادوستی و مال‌دوستی مشرکان می‌داند که اجازهٔ تشخیص درست را از آنها گرفته است. از این رو، روایتی از پیامبر^(ص) رسیده است که «کَنُود» را انسانی معرفی فرموده است که به تنهایی می‌خورد و نسبت به برده و زیردستش بخشش ندارد (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۱۶۰). شاید بر پایهٔ همین روایت، برخی از تفاسیر، مشرکان مکه را انسان‌هایی حریص نسبت به زندگی دنیا شمرده‌اند (ر.ک؛ حسینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۴۹).

نتیجه‌گیری

با بررسی و دقت در روایات ترتیب نزول و روایات صحیح، سبب نزول و ضوابط و خصائص سوره‌ها و نیز نظر مفسران و علمای علوم قرآن در باب زمان نزول سوره‌ عادیات، مکی بودن سوره به دست می‌آید، اما در روایات سبب نزولی که مدنی بودن سوره را گزارش کرده‌اند و آن را مرتبط با برخی سوره‌ها و غزوة ذات‌السلاسل دانسته‌اند، در سند آنها افرادی ضعیف و غیرموثق وجود دارند یا روایت آنها به صورت مرسل بیان شده است. بنابراین، به این روایات نمی‌توان به عنوان روایت سبب نزول سوره اعتماد کرد. اما روایات دال بر مکی بودن سوره، از نظر سندی و متنی متقن‌تر است. از نظر محتوا نیز سوره عادیات صحنه معاد و قیامت را ترسیم می‌کند که خود دیدگاه مکی بودن سوره را تقویت می‌کند و از سویی، درباره دلایلی که بر مدنی بودن سوره، مبنی بر اشاره به اسبان جنگی در دوران وجود جهاد (که در مدینه بوده)، آورده می‌شود، می‌توان گفت همان‌گونه که در روایات صحیح و روایتی به نقل از امام علی^(ع) بدان اشاره شده، «عادیات» وصفی برای «شتران حج» است. اگر «عادیات» را به معنای «اسبان جنگی» نیز بگیریم، این معنا مستلزم اشاره آیات به پدیده جهاد و در نتیجه، مدنی بودن سوره نمی‌باشد، بلکه اشاره آیات به اسب جنگی است که با اسب جهادی متفاوت است؛ زیرا اسب جنگی از جایگاه مهمی در فرهنگ و زندگی جاهلیت برخوردار بوده است. بنابراین، خداوند در دوران مکه بدان سوگند یاد کرده است. از دیگر سو، اسلوب و موضوع سوره عادیات با خصائص اسلوبی و موضوعی سوره مکی همخوانی بیشتری دارد؛ از جمله این خصائص می‌توان به کوتاهی آیات، کثرت فواصل، تأکید بسیار، تثبیت اصول اعتقادی و ... اشاره کرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن حجر عسقلانی، أبو‌الفضل أحمد بن علی. (۱۳۲۶). *تهذیب التهذیب*. ج ۷. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.

ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق.). *كتاب التسهيل لعلوم التنزيل*. ج ۲. تحقيق عبدالله خالدى. بيروت: شركت دار الأرقم بن أبى الأرقم.

ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۲۲ق.). *زاد المسير فى علم التفسير*. ج ۴. تحقيق عبدالرزاق المهدى. بيروت: دار الكتاب العربى.

_____ . (۱۴۲۲ق.). *فنون الأفنان فى عجائب علوم القرآن*. ج ۴. بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية.

ابن ضريس، ابوعبدالله محمد بن أيوب. (۱۴۰۸ق.). *فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينة*. دمشق: دار الفكر.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بى تا). *التحرير و التنوير*. ج ۳۰. بى جا.
ابن عطية اندلسى، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق.). *المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز*. ج ۵. بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو. (۱۴۱۹ق.). *تفسير القرآن العظيم*. ج ۸. تحقيق محمدحسين شمس الدين. بيروت: دار الكتب العلمية؛ منشورات محمدعلى بيضون.

ابن منظور مصرى، محمد بن مكرم. (۱۴۰۵ق.). *لسان العرب*. ج ۸. قم: أدب الحوزة.
ابن النديم البغدادى، أبوالفرج محمد. (بى تا). *فهرست ابن النديم*. تحقيق رضا تجدد. مصر: شهيد على پاشا.

ابن واضح يعقوبى، أحمد. (بى تا). *تاريخ يعقوبى*. ج ۲. بيروت: دار صادر.
بغدادى، علاءالدين على بن محمد. (۱۴۱۵ق.). *لباب التأويل فى معانى التأويل (تفسير خازن)*. ج ۴. بيروت: دارالكتب العلمية.

بلخى، مقاتل بن سليمان. (۱۴۲۳ق.). *تفسير مقاتل بن سليمان*. ج ۴. به كوشش شحاته. بيروت: دار احياء التراث العربية.

بيهقى، احمد بن حسين. (۱۴۰۵ق.). *دلائل النبوة*. ج ۷. تعليق عبدالمعطى قلجى. بيروت: دار الكتب العلمية.

بنت الشاطى، عايشه. (بى تا). *التفسير البيانى للقرآن الكريم*. ج ۱. چاپ هفتم. القاهرة: دارالمعارف.

- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨ق.). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. ج ٥. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم. (١٤٢٢ق.). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. ج ١٠. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جفری، آرتور. (١٣٩٢). *مقدمتان فی علوم القرآن*. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- حسین احمد، عبدالرزاق. (١٤٢٠ق.). *المکئی و المدنی فی القرآن الکریم*. ج ١. القاهرة: دار ابن عقان.
- حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی. (١٤٠٩ق.). *تأویل الآيات الظاهرة*. ج ٢. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، حسن بن یوسف. (١٣٨١). *خلاصة الأقوال*. نجف: مطبعة الحیدریة.
- حنبلی دمشقی، سراج‌الدین. (١٤١٩ق.). *اللباب فی علوم الكتاب*. ج ٢٠. تحقیق شیخ عادل احمد عبدال موجود و شیخ علی محمد معوض. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- دروزة، محمد عزت. (١٣٨٣). *التفسیر الحديث*. ج ١. القاهرة: دار إحياء الكتب العربيّة.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (١٤١٩ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. ج ٨. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ذهبی، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد. (١٤٠٢ق.). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. ج ٤ و ٦. بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (١٤٠٨ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. ج ٢٠. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد. (١٤٢٠ق.). *مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)*. ج ٣٢. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (١٤٢٢ق.). *التفسیر الوسیط*. ج ١٠. دمشق: دارالفکر.
- _____ . (١٤١٨ق.). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*. ج ٩. بیروت: دارالفکر المعاصر.

زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. ج ۱. بی جا: دار احیاء التراث العربی.

زرکلی، خیرالدین بن محمود. (۲۰۰۲م). *الأعلام*. ج ۴. دمشق: دارالعلم للملایین.

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۴. بیروت: دار الکتب العربی.

زهري، محمد بن مسلم. (۱۴۱۱ق). *الناسخ و المنسوخ و تنزیل القرآن بمکة و المدينة*. ج ۱. به کوشش حاتم صالح ضامن. بغداد: وزارت آموزش عالی.

سبحانی، جعفر. (۱۳۶۴). *فروع ابدیت*. ج ۱. قم: دانش اسلامی.

سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). *بحر العلوم*. ج ۳. بی جا.

سمعی، منصور بن محمد. (۱۴۱۸ق). *التفسیر القرآن*. ج ۶. تحقیق یاسر بن ابراهیم. سعودیة: دارالوطن.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. ج ۸. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

_____ . (۱۴۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. ج ۱ و ۲. بیروت: دار الکتب العربی.

شاطبی، ابراهیم بن موسی. (بی تا). *الموافقات فی أصول الفقه*. ج ۳. به کوشش عبدالله دراز. بیروت: دارالمعرفة.

شبهستری، عبدالحسین. (۱۴۱۸ق). *الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام*. ج ۲. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين لقم.

شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴). *فتح القدير*. ج ۵. دمشق: دار ابن کثیر.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۷۶). *مفاتيح الأسرار و مصابيح الأبرار*. ج ۱. محقق: محمدعلی آذرشب. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.

صبحی، صالح. (۱۳۷۲). *مباحث فی علوم القرآن*. قم: منشورات الرضی.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *الميزان فی تفسیر القرآن*. ج ۲۰. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البيان فی علوم القرآن*. ج ۱۰. تهران: ناصر خسرو.

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (١٤٢٠ق.). *جامع البیان عن تأویل القرآن*. ج ٣٠. قم: دارالفکر.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. ج ١٠. بیروت: دار احیاء التراث.
- قرطبی، محمد بن احمد. (١٣٨٤). *الجامع لاحکام القرآن*. ج ٢١. القاهرة: دارالکتب المصریة.
- ماتریدی، محمد بن محمد. (١٤٢٦ق.). *تفسیر المانریدی*. ج ١٠. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). *النکت والعیون*. ج ٦. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مجلسی، سید محمدباقر. (بی تا). *بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*. ج ٢١. تهران: مؤسسه الوفاء.
- مظهری، محمد ثناءالله. (١٤١٢ق.). *تفسیر المظهری*. ج ١٠. پاکستان: مکتب رشدیة.
- معرفت، محمدهادی. (١٤١٥ق.). *التمهید فی علوم القرآن*. ج ١. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (١٣٨٦). *سوغندهای پربار قرآن*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب^(ع).
- نمازی شاهرودی، علی بن محمد. (١٣٦٤). *مستدرک سفینه البحار*. ج ٥. بی جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن. (١٤١٥ق.). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*. ج ٦. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن. (١٤١٢ق.). *اسباب النزول القرآن*. ج ٤. بی جا: دار الإصلاح.